



ژاپن چگونه آلمان و اسپانیا را شکست داد؟

پل ژاپن از انیمه به جام جهانی

فرهنگ

استعمار در بسته بندی آبی، سفید، قرمز

فرانسه چگونه از فرهنگ برای پیشبرد اهداف سیاسی استفاده کرده است؟



۸

نقد و نقیب بر پردیس تئاتر تهران

جهانی میها اما ناآشنا

پردیس تئاتر تهران در تمام سال‌های راه‌اندازی اش هنوز با مدیریت و برنامه‌ریزی جدی همراه نشده و به همین دلیل بازدی و بهره‌وری لازم را برای پیشرفت فرهنگی مناطق جنوبی تهران پیش روی نداشته است.

۱۱

رسانه

گفت‌وگوی «جام جم» با میثم محبیان مهر، تهیه‌کننده

بیش از ۲ دهه است به خانه برمی‌گردیم



سبک زندگی

«جام جم» میزان کارایی و شرایط اثربخش بودن مشاوره‌های پیش از طلاق را بررسی می‌کند

جدایی مشاوره از تشریفات

۱۲

رسانه

در اختتامیه فصل سوم برنامه رقابت کسب‌وکارها از شبکه ۳ چه گذشت؟

گردهمایی کارآفرینان ایران در «میدون»

۷



یادداشت

نگاهی به یک تصمیم غیرصنعتی

هیات مدیره عجول و بی‌درایت



مریم فلاح عضو انجمن منتقدان و نویسندگان سینما

هیات مدیره انجمن منتقدان و نویسندگان سینمای ایران در اقدامی شتابزده با انتشار اعلامیه‌ای، ضمن انتقاد به روش‌های مسوق به سابقه مدیریت سینما در قبال انجمن و جامعه منتقدان سینمایی و همچنین با اشاره به اتفاقات دو ماه اخیر و شرایط حاکم بر جامعه و رفتار با جامعه سینمایی، اعلام کرد اعضای این هیات مدیره در هیچ رویداد سینمایی پیش‌رو مشارکتی نخواهند داشت. در این اعلامیه با اشاره به این‌که تجربه‌های سال‌های اخیر نشان داده است مدیران دولتی حوزه سینما، اقبال و باوری به منتقدان و نویسندگان سینمایی نداشته‌اند، آمده است: اگر این طیف از پدیدآورندگان ادبیات سینمایی را مزاحم و اضافی ندانند، موافقت و همراهی هم با جامعه مانده و نذارند و البته ما هم اصراری بر قبولاندن امور بدیهی به ایشان نداریم. تاریخ آموزنده است و کسانی که در پی حقیقت و روشنی راه آینده‌اند، می‌دانند چه می‌گویم.

اعضای هیات مدیره با اغلیه از گذشته، تاکید کردند در دوره‌های اخیر مدیریت سینمایی و همچنین جشنواره فیلم فجر و سایر جشنواره‌ها، همواره دیواری بی‌اعتمادی میان مدیران و سیاست‌گذاران و منتقدان حائل بوده است و اینک با تشدید این روند راه‌روشن شگفت‌انگیز و شکست خورده «یکسان‌سازی» دستگاه‌ها که قبل از همه‌جا در سینما رخ نمایانده است، فاصله‌هایی معنادار از این «عدم همگرایی» را موجب شده و می‌بینیم چه صدماتی جبران‌ناپذیر به بار آورده است.

تا اینجای اعلامیه به نظر روندی منطقی ضرور شده است اما نگاه‌نگارندگان در نتیجه‌گیری به خطا رفته‌اند و بدون توجه به این‌که انجمن منتقدان از صنوف سابقه‌دار سینماست که اعضای آن همواره در توسعه زیرساخت‌ها و رشد فناوری و محتوای سینما موثر بوده‌اند و از قضا در پیشرفت و به روزرسانی و توسعه جشنواره فیلم فجر هم نقش‌آفرینی داشته‌اند، تصمیم به ترک فعل گرفته‌اند.

جمع‌بندی را بخوانید: این امور، ما اعضای هیات مدیره انجمن منتقدان و نویسندگان سینمای ایران را به این نتیجه رسانده که در همان مشارکت‌های حداقلی و اندک هم غایب باشیم تا خدای ناکرده به این روند خاللی وارد نشود و سیاست‌سازی‌های یکسان شده این مدیران هم چالش‌ساز نشود. کاملاً غلط و غیرحرفه‌ای است.

اعضای هیات مدیره حتی اگر با بی‌مهری و بی‌اعتنایی مدیران روبه‌رو باشند نباید یک میدان حرفه‌ای را واگذار کنند. آنها موظف به صیانت از جایگاه حرفه‌ای و صنعتی اعضا هستند و نباید به این راحتی از حق قانونی خود در برگزاری جشنواره‌ها دست بکشند.

در ضمن فراموش نکنید از رئیس سازمان سینمایی تا مدیر روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان و روابط عمومی جشنواره فیلم حقیقت و فیلم فجر و بسیاری از اعضای ستادی این جشنواره‌ها، جملگی از اعضای همین انجمن منتقدان و نویسندگان خانه سینما هستند. با این اشاره، اگر در چنین روزگاری اعضای هیات مدیره با صدور اعلامیه‌ای از کار کناره بگیرند، به نوعی به ناتوانی خود در تأمین حقوق اعضای انجمن اعتراف کرده‌اند.

همچنان که ابتدای سال بنا بر دلایل نامفهوم و غیرمنطقی بدون درایت کافی و به صورت کاملاً عجولانه و یکطرفه برای کنار گذاشتن اعضای باسابقه این انجمن اقدام کردند و بعد از بروز بحران، تازه به فکر مشورت و پدیدار کردن راه‌حل شدند.

اقدامی شتابزده دست زده‌اند، در حالی که بی‌تردید انجمن منتقدان و نویسندگان سینما نه تنها اجازه ندارد در این مواقع ترک فعل کند، بلکه برعکس موظف است حتی اگر مدیران توجهی نمی‌کنند با اقدامی قانونی جایگاه حرفه‌ای خود را تأمین و در بهبود روند برگزاری جشنواره تأثیر بگذرانند.

مگر این‌که خدای ناکرده نیت دیگری در کار باشد.

مکتب

مسیری که بدون حجاب طی شد

مدارس و فضاهای آموزشی مختلط



مدارس مختلط و فضاهای آموزشی که از دیرباز در آن دختران و پسران بدون هیچ مانعی می‌توانستند با یکدیگر ارتباط بگیرند، همچنین حضور معلم‌های مرد برای دختران یا معلم‌های زن برای پسران، از جمله زمینه‌های ایجاد روابط نامشروع و پدید آمدن تعرضات جنسی بوده و هست. از همین روی سبک‌زندگی ایرانی، اسلامی همواره بر تفکیک این دو جنس در محیط‌های آموزشی تاکید داشته تا هم زمینه‌های روابط غیراخلاقی و رفتارهای نامطلوب از میان برداشته شود و هم فضای مناسب‌تری برای تحصیل علم ایجاد گردد.

متأسفانه وجود این نوع فضاهای آموزشی مختلط در غرب و ایضا در ایران باعث ایجاد چنان زمینه‌های ضداخلاقی شد که نتایج بسیار زیان‌بار جسمانی و روانی برجای گذازد.



سعید مستفایی کارشناس سینما و منتقد

این نوع آسیب‌های رفتاری و ارتباطی از نیز سال‌ها پنهان داشته می‌شد تا در بچوجه افشای رسوایی‌های جنسی طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵، پاره‌ای از این پدیده‌های ضداخلاقی نیز بر داشته شد: گزارش کمیته پارلمانی انگلیس: آزار جنسی دختران در مدارس بریتانیا بخشی از «زندگی روزمره» آنهاست

روزنامه بریتانیایی میور، سپتامبر ۲۰۱۶ در گزارشی تکان‌دهنده اعتراف کرد که دختران بریتانیایی در مدارس و کالج‌های این کشور به‌طور گسترده مورد آزار و خشونت قرار می‌گیرند، ولی این موارد به‌عنوان شوخی توسط معلمان اصطلاحاً زیرسبیلی‌زده می‌شود.

این مسائل چنان رایج و حاد شد که کمیته تحقیقی متشکل از نمایندگان پارلمان، خواهان اقدام عاجل در برابر آن شدند. تحقیق کمیته «زنان و برابری‌ها» کشف کرد که آزار جنسی در ساختار آموزشی بریتانیا به بخشی از زندگی روزمره دختران دانش‌آموزان تبدیل شده است!

در گزارش حیرت‌آور این کمیته همچنین هشدار داده شده که برخی دانش‌آموزان دختر، حتی در مدارس ابتدایی، به زور در معرض بی‌برده‌ترین فیلم‌های هزنه‌نگاری (پورن) و تصاویری قرار گرفتند که کل درک آنها را درباره مسائل جنسی زیر و رو کرده است. گفته شده این بخشی از ارائه شیوه‌های آموزشی جنسی براساس پروتکل‌هایی مثل

سند ۲۴۰ به مدارس پایه‌های مختلف تحصیلی بوده است. شیوه‌هایی که برای کشور ماینز تجویز شد و علی‌رغم تاکید مقام معظم رهبری مبنی بر نفی چنین سند‌های نوشته خارجی‌ها و بیگانگان اما متأسفانه در بخشی از سیستم آموزشی ما اعمال شده و به‌انحای مختلف و تحت عناوین گوناگون اجرامی شود.

اما نمایندگان بریتانیایی در کمیته تحقیق پارلمان انگلیس درباره

تعرض وسیع به دختران دانش‌آموز این کشور اعلام کردند که حدود یک‌سوم دختران ۱۶ تا ۱۸ ساله که در این تحقیق حضور داشتند، گفته‌اند که تجربه آزار جنسی خود را توسط دیگران داشته‌اند. بیشتر زنان جوان و دختران مورد مصاحبه هم گفتند که دست‌کم یک‌بار آزار جنسی را در مدرسه یا کالج تجربه کرده‌اند. به علاوه، بسیاری از این شاگردان گفتند که به‌صورت معمول شنیده‌اند که دختران دانش‌آموز با القای زشت خطاب می‌شوند.

برخی از معلمان هم به کمیته تحقیق گفتند آزار و اذیت خشن و تحقیرکننده دختران به‌شدت در مدارس انگلستان شایع است و حتی یکی از معلمان از «شمار زیاد دختران دانش‌آموزی که گریان و تحقیر شده به دفترش می‌آمدند و از بخش عکس‌های نیمه‌عریان خود در اینترنت سخن می‌گفتند» خبر داد.

روزنامه بریتانیایی میور می‌نویسد: «... اکثریت مدارس بریتانیا در مقابله با این مشکل کاری از پیش نبرده‌اند و این درحالی‌است که دولت و دستگاه‌های نظارتی هم هیچ برنامه‌جامعی برای مبارزه با این مسائل شرم‌آور ندارند...»

ماریا میلر، نماینده محافظه‌کار مجلس عوام و رئیس این کمیته پارلمانی می‌گوید: «تنها یک تحقیق، چنین تصویر نگران‌کننده‌ای ترسیم کرده است.»

خانم میلر به تلخی ادامه می‌دهد: «ما سخنان دخترانی را شنیدیم که از زورگویی جنسی و سوءاستفاده به‌عنوان بخشی از زندگی روزمره خود در مدارس و کالج‌ها حرف می‌زدند. این درحالی‌است که معلمان، آزار جنسی را به‌عنوان «صرفاً شوخی» پذیرفته‌اند و نادیده‌اش می‌گیرند و والدین در تلاش هستند که روش‌های بهتری برای حمایت از کودکان خود پیدا کنند.»

برای اتخاذ تصمیمی اساسی و راه‌حلی بنیادی شده است. چنانچه طبق گزارش کمیته «زنان و برابری‌ها»، علی‌رغم وجود این شواهد واضح، وزارت آموزش و دفتر استانداردهای آموزشی Ofsted، هیچ طرح جامعی برای مقابله با عوامل و تبعات آزار و خشونت جنسی در مدارس و کالج‌ها ندارند.

گزارش کمیته میور همچنین نگاهی هم به نظرسنجی‌های بنیاد خیره‌دهنده دختران Girlguiding داشته (این بنیاد، یک موسسه غیردولتی در بریتانیا در زمینه حقوق زنان و دختران است) که طبق آن در سال ۲۰۱۴، ۵۹ درصد دختران ۱۳ تا ۲۱ ساله گفته‌اند که در سال تحصیلی ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۴ مصادیق مختلف آزار جنسی در مدارس و کالج‌ها مواجه بودند. نمایندگان عضو این کمیته به نظرسنجی گروه غیردولتی «به خشونت علیه زنان پایان دهید» در ۲۰۱۰ هم استناد کردند که براساس آن ۷۱ درصد تمام دانش‌آموزان دخترین ۱۶ تا ۱۸ سال، الفاظ تحقیرآمیز جنسی را که به‌صورت روتین علیه دختران به کار می‌رود، به گوش خود شنیده بودند و ۲۱ درصد آنها ادعا کردند که خود مورد آزار فیزیکی جنسی قرار گرفتند.

«پنل طرفداری از هدایت دختران»، گروهی متشکل از دختران ۱۴ تا ۲۵ ساله که نماینده اعضای جوان‌ترین جنبش محسوب می‌شوند، در بیانیه خود گفتند: «به‌عنوان زنان جوان، بسیاری از ما هنوز در مدارس حضور داریم و تجربه‌کننده یا ناظر آزار جنسی هستیم، از مورد تعرض قرار گرفتن تا القاب تحقیرآمیز جنسی به‌صورت روزمره. این تحقیرآمیز و ترسناک است و آنچه را که می‌بویسیم، جایی که می‌رویم و اعتمادبه‌نفس ما را برای صحبت‌کردن در کلاس تحت تأثیر قرار می‌دهد.» آنها نمی‌توانند درک کنند و هیچ منبع آموزشی یا کارشناس یا روان‌شناس و جامعه‌شناسی هم نیست که آنها را از ریشه‌های این ناپهنجاری‌های رفتاری آگاه کند که اساساً همان نوع پوشش و روابط بی‌بندوبار و اختلاط بی‌قیدوبند است که سرمنشأ همه این تعرضات و تحقیرهای می‌گردد.

به گفته این دختران جوان، دردناک آنجاست که این مسائل آزارنده و شرم‌آور عمدتاً در مدارس به‌عنوان شوخی‌های بیگانه نادیده گرفته می‌شود و معلمان به آنها می‌گویند که زیاد سخت‌گیرند و حساس نباشند!

کوین کورتی، دبیرکل اتحادیه معلمان بریتانیا در واکنش به انتشار این گزارش نیز اصل ناکارآمدی در برخورد با این ناپهنجاری‌ها را ناشی از سیاست‌ها و روش‌های آموزشی دانسته و گفت: «سیاست‌های آموزشی دولت عملاتون مدارس را برای مبارزه با آزار و زورگویی جنسی دشوار کرده است، چراکه هیچ زمانی برای مراقبت‌تربیتی یا آموزش‌های شخصی، اجتماعی، سلامت و اقتصادی در برنامه روزانه و برنامه آموزشی در نظر گرفته نشده است.»

می‌توان این اعترافات را شکست‌آسان آموزشی غربی همچون سند ۲۴۰ دانست که نه تنها نتوانسته از این گونه آزار و مزاحمت و تعرضات جنسی جلوگیری کند بلکه براساس تحقیقات و پژوهش‌های انجام شده، خود باعث زمینه‌سازی و گسترش تعرضات جنسی شده است.

از همین روی سیر گرایش خانواده‌های اروپایی به سمت مدارس تفکیک‌شده جنسیتی، روزبه‌روز بیشتر شده و سعی می‌کنند فرزندان خود را در مدارس و فضاهای آموزشی تک‌جنسیتی ثبت‌نام کنند. در ادامه همین مطالب، نمونه‌هایی از این گرایش‌ها به نقل از رسانه‌های معتبر خارجی ملاحظه خواهید فرمود.